

# شرکت سهامی فرش ایران (سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۸۰ ش.) به روایت مصاحبه‌های تاریخ شفاهی

مسیح جواهردهی

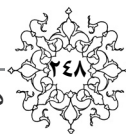
## چکیده:

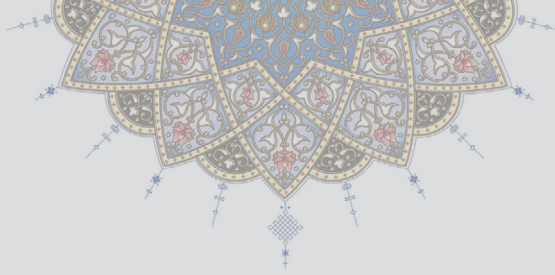
در سال ۱۳۱۴ ش. شرکت سهامی فرش ایران آغاز به کار کرد. با دستور رضاشاه به یکی از خوانین ملایری که از نمایندگان مجلس هم به‌شمار می‌آمد مأموریت یافت شرکتی تأسیس نماید که فرش‌های اصیل را تولید و نظارت نماید، به‌دنبال آن شرکت انگلیسی تولیدکننده قالی شرق، فرو پاشید و دارایی‌های آن به شرکت سهامی فرش ایران واگذار گردید و سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ ش.، ساختمان آن به اجاره شرکت سهامی فرش درآمد که سرانجام در دهه پنجاه خورشیدی خریداری گردید و با هدف الگوسازی در طرح‌های فرش اصیل ایرانی و ریسندگی تأسیس شد. در این پژوهش و مصاحبه اهداف و کارکرد شرکت سهامی فرش ایران از دهه ۴۰ ش. تا به امروز - قوت و ضعف، ساختار اداری و چگونگی اجرائیات، مدیرعاملان وقت - از زبان کسانی که در آن مسئولیت داشتند بررسی خواهد شد.

## کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی، مصاحبه، فرش، صادرات، تولید، شرکت سهامی فرش ایران.

تاریخ شفاهی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶، پائیز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۴۸-۲۶۹





## شرکت سهامی فرش ایران (سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۸۰ ش.) به روایت مصاحبه‌های تاریخ شفاهی<sup>۱</sup>

مسیح جواهردهی<sup>۲</sup>

### مقدمه:

هویت تاریخی هر کشوری را باید در فرهنگ و هنر آن کشور جستجو کرد، فرهنگ و هنری که نمادهای آن آثار ادبی، هنری و دستاوردهای تمدنی را شامل می‌گردد، کشوری که فاقد این نمادها باشد بی‌هویت و درگستره جهان محو است، رکن اصلی هویت کشور را این آثار تاریخی می‌سازد، آثاری که سرگذشت نسل‌ها و قرن‌ها پشت سر آن نهفته است. نزد ایرانیان فرش یکی از جلوه‌های منحصر به فرد به‌شمار می‌رود، هنر فرش نهفته از همه هنرها (موسیقی، نقاشی و ...) که اگر ادراک صحیحی از مبانی آن نه به‌عنوان یک فن خاص توجه داشته باشیم، هنر فرش جزء اولین هنرهای ایرانی محسوب می‌شود. شماری از فرش‌های دستبافت ایرانی در زمره برجسته‌ترین آثار هنری آفریده شده به‌دست بشر هستند، زیباترین فرش آن است که با حداقل رنگ، حداکثر زیبایی را در چیدمان خود کاربرد داشته باشد چرا که رنگ، لباس طرح و نقش فرش است و به آن ارزش می‌دهد. امروزه به فرش به‌عنوان یک لوکس نگاه می‌شود در صورتی که در گذشته از آن یک سرمایه حساب می‌شد. امروزه علی‌رغم بازار رقابت شدید، مشغله‌های دنیای جدید و دغدغه‌های جهان صنعتی چه در داخل ایران و چه در خارج از آن، نام ایران با نام فرش گره خورده است، شواهد حاکی از آن است که فرش برای مقاصد صرفاً کاربردی نظیر حفاظت خانه روستائیان از سرما و نم به‌وجود آمد و کم‌کم راه خود را به‌عنوان یک اثر زینتی و نشانه‌ای از تحول درخانه‌های اشراف و اعیان باز کرد. در گذر تاریخ ایران، صنعت و پیشه فرشبا‌فی به‌صورت یک هنر و مهارت خاص درآمد است.

۲. این مقاله با استناد بر منابع متعدد و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی برداشت شده است. مصاحبه‌شوندگان شامل: استاد محسن محسنی، استاد غلامحسین محمودی و آقای محمدرضا عابد مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران می‌باشند که این مصاحبه‌ها توسط مصاحبه‌گر، مسیح جواهردهی از مهر ۱۳۹۵ تا آبان ۱۳۹۶ در راستای پروژه مصاحبه تاریخ شفاهی در پژوهشکده اسناد انجام شده است.

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، کارشناس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی: masih.jv@gmail.com



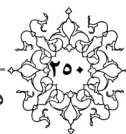
در تاریخ معاصر حضور بعضی افراد مؤثر آن چنان پر رونق و جذاب می باشد که ضبط و ثبت صدای آنان می تواند بیان روشن و مصداقی آگاهانه در حوادث تاریخی مورد بررسی واقع بینانه قرار گیرد. یکی از این موارد بررسی تاریخ شفاهی شرکت سهامی فرش ایران است. روایات مکتوب در این بخش از تألیف به جزء تاریخچه شکل گیری آن، استنادات دیگری وجود ندارد که نشان دهد این شرکت در چه فراز و نشیبی از تاریخ معاصر قرار گرفته است. بنابراین با مصاحبه های تاریخ شفاهی هنر فرش با بعضی از دست اندرکاران این هنر ارزشمند ایرانی، به فراز و نشیب، درد و رنج قالیبافان و فرشبافان این هنر اصیل پرداخته خواهد شد. در این مقاله سعی بر آن است که مسائل و مشکلات شرکت سهامی فرش به رؤیت محققان رسانده شود.

تاریخ شفاهی، پدیده جدیدی در علم تاریخ نیست بلکه به نوعی از شیوه های پژوهش تاریخی اطلاق می گردد که قبل از مورخان، جامعه شناسان در تحقیقات جامعه شناسی و انسان شناسی خود به آن توجه کرده اند. به نقل از غلامرضا عزیزی، دکتر اصغر سعیدی می گوید: «مجموعه های تاریخ شفاهی یکی از روش های بررسی تاریخی بر پایه روش شناسی کیفی در علوم اجتماعی به شمار می آیند و به عنوان یک مأخذ علمی درجه اول در تحلیل ها و مطالعات مورد استفاده واقع می شوند. این نوع مجموعه ها در بسیاری از کشورهای غربی در تمام زمینه ها به صورت طرح های ملی به طور دائمی ایجاد می شوند...» و در جایی از دیوید جی. وود<sup>۱</sup> تعریفی دیگر می آورد: «تاریخ شفاهی درباره شاهان و ملکه ها و یا اتفاقات مثلاً سال ۱۰۶۶م. نیست، تاریخ شفاهی، تاریخ مردمی همچون من و تو است، مبنی بر این که چگونه زندگی می کردند، چه کار می کردند و چگونه پول هایشان را خرج می کردند» (عزیزی، ۱۳۸۴، ص ۹-۱۷)

اگر بخواهیم برای نگارش و پژوهش درباره هر واقعه یا مناسبتی اثری ماندگار و مؤثر را به رشته تحریر درآوریم باید دو اصل تبلیغ و موضع گیری را مدنظر داشته باشیم. محمود فاضلی بیرجندی مترجم و پژوهشگر تاریخ ایران می گوید: لازم است یک پژوهش مستند از تبلیغ به دور باشد، یعنی چیزی جدای از نطق ها و بیانیه های سیاسی باشد که به قصد تأثیر گذاشتن فوری بر مخاطبان تهیه می شوند. نکته دیگری که رعایت آن به پژوهشگر و نویسنده مطلب باز می گردد، نداشتن موضع گیری است. همچنان که در مباحث مربوط به فلسفه تاریخ گفته اند متن تاریخی بیشتر از ذهن تبعیت می کند تا از واقعیت های جهان؛ از این موضوع می توان نتیجه گرفت که لاجرم هر متن، هر اندازه که از ذهن نگارنده کمتر تأثیر بگیرد به واقعیت جهان و گزارش کردن از آن نزدیک تر می شود. ماندگارترین آثار تاریخی آثاری هستند که از ذهن و رسوبات ذهنی، دورترین فاصله ها را داشته اند. البته این مطلب جدای از آثار ادبی است که باید حتماً از ذهن تبعیت کند (عصاریان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲).

شروع و ثبت و ضبط مصاحبه های تاریخ شفاهی دستگاه های نظارتی گام جدی را می طلبد که

1. David j. Wood



در این عرصه نیازمند پژوهش میدانی در سیر تطور و تحول نظام دیوان‌سالاری اداری ایران چه از طریق اسناد و مکتوبات موجود در آرشیوها، چه به طرق مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی، کمک بسیار مؤثری از شرایط شکل‌گیری و تحول و ادغام دیارتمان‌های اداری و مؤسسه‌ها را در برگیرد. البته ناگفته نماند در ادامه این روند از سندپردازی با مشکلات دیدگاهی و خودسانسوری مسئولین و دست‌اندرکاران قبل و اکنون مواجه هستیم.

از دیرباز فرش از امتیازات در بین خانواده‌های ایرانی علی‌الخصوص در تکریم از میهمان محسوب می‌شد. نوع بافت فرش با توجه به محل جغرافیایی از تعریف خاصی برخوردار بود. فرش ایران جزء صناعی است که از دوره صفویه و قاجاریه در اثر ارتباطات با دنیای خارج صورت می‌گیرد، هر چند تا زمان پهلوی اول فرش‌بافی ایران به نوعی سیطره انگلیسی‌ها بود ولی با کیفیت همراه با نظارت بیشتر تولید می‌کردند، تعدادی از این شرکت‌ها تا سال ۱۳۱۴ش، حتی در چند سال بعد مدیران آن فعالیت داشتند بعداً واگذار کردند و شرکت فرش مستقل اعلام شد. از آن جایی که فرش در ارتباط با نیاز مردم بود همیشه جزو مشاغل خانگی محسوب می‌شده و در این راستا زنان نقش اساسی در بافت و ظرافت آن بر عهده داشتند خصوصاً در کاشان که فرش آن با بافندگان خانم عجین شده است، امروزه هم بعضی از مؤسسه‌هایی همچون فنی و حرفه‌ای آموزش‌هایی را به خانواده‌ها و افراد می‌دهند که دار قالی را به منزل می‌برند به نوعی کارآفرینی محسوب می‌شود و از طریق آن ایجاد شغل و درآمدزایی صورت می‌گیرد و کارفرمائیان با ایجاد سفارش طرح نقشه از سوی مشتری به کارگران و بافندگان در قبال پرداخت دستمزد معین شده عملاً کار کارگاهی و مشاغل را در منازل رواج می‌دادند، این سنت جزو ماهیت کاری این حرفه به‌شمار می‌آمد و هنوز هم در بسیاری از مناطق روستایی و شهری وجود دارد بدان خاطر در بافت قالی و فرش، تقسیمات روستایی‌بافی و شهری‌بافی شکل گرفته است.

فرش در ایران با فقر عجین است، زمانی شغل دوم مردم ایران در کنار دامداری، کشاورزی محسوب می‌شد، شش ماه از سال که با شرایط جغرافیایی بیکار بودند فرش می‌بافتند. ولی از آن زمانی که کم‌آبی و خشکسالی بوجود آمد و کشاورزی و دامداری رونق نداشت در راستای شغل اول قرار گرفت و گرایش به فرش بیشتر شد چون مردم به دنبال درآمد بودند و دیگر به‌عنوان شغل دوم نگاه نمی‌کنند، هر جایی از ایران دچار رکود می‌گشت فرش‌بافی رونق می‌گرفت، امروزه هم به دنبال کسی می‌گردند که برای آن‌ها ببافند ... یک طرح خوب در فرش معمولاً از یک ایده خوب و هماهنگی بین اجزاء آن به‌همراه ریتم، توازن، تعادل و از یک نظم هندسی و اصول ریاضی که به اصطلاح قالبیافان از یک هارمونی، کنتراست (تضاد رنگ‌ها) و تقارن مرکزی برخوردار می‌باشد. آنچه که در مواد به‌کار رفته در فرش بین همه مناطق مشترک است، کاربرد پشم، کرک و ابریشم است که با رنگ آمیزی‌های ثابت و ترکیبی این بخش، کنتراست را به تصویر می‌کشند. «قسمت



تسکین‌دهنده روح یک فرش همان طراحی یا نقشه‌کشی آن است، این کار با مطالعه همراه با بینش بالا منجر به نوآوری و اصالت می‌گردد، برای حرفه‌ای شدن باید معمار فرش شد تا اطلاعات را به نسل بعدی منتقل کنند» (محمودی، ۱۳۹۶، مصاحبه جلسه سوم، ساکما).

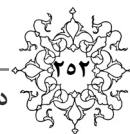
اگر بخواهیم از تاریخچه پیدایش فرش در اینجا سخن بگوئیم مطلب به درازا می‌کشد و از پرداخت به اصل موضوع که همان شکل‌گیری و بررسی عملکرد شرکت سهامی فرش ایران است غافل می‌شویم، حال آنکه مکتوبات و مستندات بسیاری وجود دارد که تاریخچه فرش ایران را بیان کردند که در اینجا تکرار مکررات می‌باشد. بهترین نمونه در رشد شکوفایی و گسترش صادرات فرش در اواسط دوره قاجار به‌رغم آسیب جدی که به بسیاری از صنایع و تولیدات بومی و سنتی وارد شد، فرش دستباف رشد چشمگیری یافت از جمله این فرش‌ها می‌توان به فرشی که زینت‌بخش کاخ پادشاهی دانمارک که مراسم تاجگذاری پادشاهان دانمارک، بر روی آن انجام می‌شود. تمام نقش‌های این فرش بر روی تارو پودی از طلا بافته شده‌اند. فرش بسیار نفیس دیگری که در موزه وین نگهداری می‌شود، فرش شکار نامیده می‌شود و همین‌طور فرش اردبیل در موزه ویکتوریا آلبرت شهر لندن را هم می‌توان نام برد. فرش اردبیل (فرش اردبیل که دارای ابعاد بیش از ۱۱ مترمربع بوده است) توسط هنرمندی به نام مسدوک کاشانی برای پوشش صحن آرامگاهی در شهر اردبیل بافته شده است

## وضعیت صنعت فرش از عهد ناصرالدین‌شاه تا سقوط پهلوی اول (۱۲۶۴-۱۳۶۰ه.ق)

با توجه به پیشرفت امور اقتصادی در ایران تقریباً از اواسط دوران حکومت قاجار با به‌قدرت رسیدن ناصرالدین‌شاه رشد صنعت آغاز شد. بیشترین عامل و مقدمات چنین رویکردی وجود افراد نامی و افتخارآفرینی بودند که اندکی قبل از به‌قدرت رسیدن ناصرالدین‌شاه رویکرد جدی به دستاوردهای صنعت داشتند. از جمله به نام حاج حسن امین‌الضرب<sup>۱</sup> به ناصرالدین‌شاه می‌توان اشاره کرد: «رفاه و سعادت مملکت به تجارتی بستگی دارد که با مردم همان کشور گردانده شود و تنها در صورت تأمین این شرط است که مملکت می‌تواند رونقی به خود بگیرد و کارخانه‌ها ساخته شوند ولی وقتی عواید اقتصادی تنها به سرمایه‌های خارجی تعلق گیرد ثروت به خارج از کشور صادر خواهد شد و طبقات مردم داخل از نداری رنج خواهند برد» (ژوله، ۱۳۸۴، ص ۲۷ و ۲۸).

فرش ایران با سفر ناصرالدین‌شاه به وین برای اولین بار در نمایشگاه‌های بین‌المللی به‌نمایش در آمده بود. آغاز صادرات فرش ایران و افزایش درآمد دولت از قبل از آن، یکی از دلایل تداوم و استمرار حکومت قاجار به‌شمار می‌آمد. در همه دوره‌های تاریخی توسعه فرش در ایران منوط به ایجاد تعاملات و معاملات خارجی می‌باشد؛ که این مسئله در رابطه با ارتقاء فرش در ایران بعد از انقلاب اسلامی را هم شامل می‌گردد.

۱. مهم‌ترین اقدام حاج حسن امین‌الضرب (از بازرگانان و تجار ثروتمند و منتفذ تهرانی که به سال ۱۲۷۰ق. از اصفهان به تهران آمد) که تأثیر آن در نساجی و هنرهای دستی و بافندگی، تأسیس کارخانه ابریشمبافی در رشت اولین کارخانه مدرن که سرآغاز نفوذ نخ‌های ابریشم ماشین ریس در بافندگی ایران بود.



میرزاتقی‌خان امیرکبیر با توجه به اهمیت صنعت ابریشم، دو نفر از حریرباخان کاشان را برای آموختن و فراگیری چرخ ابریشم‌کشی ماشینی به استانبول فرستاد، آن زمان انواع حریر، زربفت و انواع مخمل با جنس مرغوب بادوام و رنگ‌های عالی توسط بافندگان ایرانی تولید می‌شد، هم پارچه‌های ابریشمی و هم نخ ابریشمی از ایران به سرتاسر اروپا صادر می‌شد، وی یک کارخانه نخ‌ریسی بزرگ با ساختمان ۴ طبقه در تهران دایر کرد. در دوره قاجار نه تنها از سوی دربار بلکه از سوی بسیاری از صاحب‌منصبان و والیان حکومت‌های محلی نیز اشتیاق و علاقه زیادی به فرش به‌عنوان محصولی فاخر و هنری به‌وجود آورد. تأسیس دومین کارخانه ریسندگی در ایران که تأثیر جدی در نساجی و بافندگی و همچنین فرشبافی داشته توسط مرتضی‌قلی‌خان صنایع‌الدوله و حاج محمدتقی شاهرودی در بیرون از دروازه دولت تأسیس گردید. سومین کارخانه ریسندگی ایران در سال ۱۳۲۶ق، شهر تبریز افتتاح گردید (ژوله، ۱۳۸۴، ص ۲۷ و ۲۸).

از مهم‌ترین دستاوردهای دوره قاجار که زمینه‌ساز توسعه فرش در ایران گردید ورود صنعت چاپ و تأثیر آن در هنرهای ایران به‌ویژه نقاشی و فرشبافی است، توجه جدی تأثیر این صنعت در فرشبافی و نقاشی و پارچه‌های قلمکار توسط پرویز تناولی صورت گرفت. در این راستا به تعداد دیگری از نقاشان و هنرمندان مشهور دوره قاجار که در تحولات بافندگی تأثیرگذار بودند را می‌توان نام برد از جمله: «حاج میرزا امامی»، «حسین مصورالملکی»، «ابوالحسن غفاری کاشانی ملقب به صنایع‌الملک»، «میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نطنزی»، «طاهرزاده بهزاد تبریزی»، «خانواده شاهرخی» و «میرزا نصیر ملقب به فرصت‌الدوله شیرازی» و مانند آن‌ها. همین‌طور در این دوره با ورود عکاسی به ایران فرش به‌عنوان یکی از عناصر تزئینی در نماها مورد استفاده عکاسان قرار گرفت (ژوله، ۱۳۸۴، ص ۳۳-۳۸).

در اواخر قرن نوزدهم میلادی بعضی از شرکت‌های اروپائی و آمریکایی به ایران آمدند و این هنر و صنعت را به بازارهای کشور خودشان فرستادند، بیش از ۳۰ کمپانی در تجارت و تولید مستقیم فرش دخالت داشتند. یکی از این کمپانی‌ها که برجسته‌تر بودند به نام «زیگلر» بود که در غرب ایران و در رأس آن شخصی به نام «سیسیل ادواردز» در شرق و جنوب‌شرقی ایران یعنی از نائین یزد، رفسنجان، کرمان و حومه آن هفده کمپانی در کرمان فعالیت داشتند که در رأس آن‌ها کمپانی شرق لندن معروف بود، دولت صفویه از وجود اینها استفاده کرد (محسنی، ۱۳۹۵). در سال ۱۳۱۴ شمسی با فرمان رضاشاه کمپانی قالی شرق را خلع‌ید به‌عمل آورد و شرکت سهامی فرش را ملی اعلام کرد. در همان سال با حمایت دولت وقت، کلیه وظایف کمپانی قالی شرق که بزرگ‌ترین تولیدکننده فرش دستبافت آن زمان بود به آن شرکت واگذار شد و با مدیریت کاملاً ایرانی علاوه بر تصدی ادارات به‌جای مانده از کمپانی قالی شرق، ساماندهی صنعت فرش در سطوح کشور را بر عهده گرفت.



«... رضاشاه به خاطر صدماتی که این کمپانی‌ها به فرش ایران زدند به آنان گفت که املاک خود در شهرستان‌ها و تهران را تحویل شرکت فرش بدهند و این شرکت هم به‌جای بدهی، فرش تحویل بدهد، تقریباً ۱۴ سال طول کشید تا شرکت با آن‌ها تسویه حساب کرد. ولی سه نفر از مدیران با کفایت کمپانی‌های خارجی به نام‌های «هیلد براون» به‌عنوان مدیرعامل، «تیمویانکی» (آخرین مدیر انگلیسی بر فرش ایران که از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۸ ش.، با شرکت سهامی فرش ایران همکاری داشت) - اهل یونان بود که تا ۱۳۳۳ برابر با ۱۹۵۰ م. ماند و - «سیسیل ادوارد» - کتاب قالی ایران را به مدت ۴ سال نوشت که بعدها به ترجمه خانم مهین‌دخت صباح هم رسید - حضور داشتند ...» (محسنی، ۱۳۹۵، مصاحبه جلسه پنجم، ساکما).

«... اولین برنامه تأسیس شرکت سهامی فرش این بود که همیشه ریاست و مدیریت اجرایی آن به‌دست کسی که اهلیت دارد بدهند در ابتدا شخصی به نام آقای مرتضوی را از بازار آوردند. آن زمان چهارچوب موردنظر رضاشاه انجام می‌شد غیر از آن نمی‌توانستند انجام بدهند...» (محسنی، ۱۳۹۵). شرکت سهامی فرش ایران نزدیک به ۷۰ سال تجربه ارزشمند در تولید و تجارت فرش دستیافت با استفاده از مواد اولیه استاندارد و سنتی و بهره‌گیری از کارشناسان خبره و با سابقه هم اکنون در ۴۴ اداره و ۱۰۰۷ شهر و شهرستان و ۶۵۰ روستا با داشتن ۲۴۰۰۰ نفر قالیباف ماهر در تولید و تجارت فرش دستیافت فعالیت دارد. توجه به اصالت‌ها و تهیه مواد اولیه مرغوب، استاندارد، رنگرزی سنتی، طراحی و بافت سالم از جمله ویژگی‌های فرش‌های تولیدی این شرکت می‌باشد.

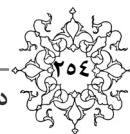
### شرکت سهامی فرش ایران به روایت تاریخ شفاهی

تاکنون اثری از بررسی‌های دستگاه‌های نظارتی در داخل ایران به‌طور جد کندوکاو نشده علی‌الخصوص از طریق روش مطالعاتی تاریخ شفاهی به چگونگی روند فعالیت شرکت سهامی فرش ایران از ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ دوره معاصر را از زبان دست‌اندرکاران آن مورد ارزیابی قرار داده‌ام - هر چند این مصاحبه‌ها هنوز ادامه دارد - امیدوارم موردتوجه محققان و پژوهشگران تاریخ معاصر قرار گیرد. لازم به توضیح است در این بخش مطالب به‌صورت سؤال و جواب مطابق روال مصاحبه تاریخ شفاهی درج گردیده است، شاید برای اولین بار در درج مقالات به این شکل، نگارش یافته است به این جهت هیچ نقل و قولی واقع‌بینانه‌تر از آن ندیدم.

### جناب آقای محسنی<sup>۱</sup> از منظر شما با آنچه در اسناد آمده است، هدف از تأسیس شرکت سهامی ایران را چگونه می‌بینید؟

تأسیس شرکت سهامی فرش ایران جهت بهبود کیفیت فرش ایران یعنی همان حفظ اصالت طرح و نقش، همان طوری که از قدیم بوده است به همراه چیدمان رنگ‌ها و کیفیت مواد اولیه کاربرد در

۱. محسن محسنی متولد ۱۳۰۹/۳/۷ ش. از شهرستان نور (سولده) می‌باشد. وی در سال ۱۳۳۹ ش. به استخدام شرکت سهامی فرش درآمد و تا دهه ۶۰ در سمت‌های مختلف اداری و اجرایی خدمت (مدیر آبادان و کرمان، مدیر بازرگانی، مدیر تولید، معاون شرکت و قائم مقام) کرده است.



قالی که مشتری محور نباشد مخصوصاً علاوه بر اینها برای بخش خصوصی الگویی باشد شکل گرفت. در زمان محمدرضا شاه هم تا مدتی این وظایف انجام می‌شد حتی بعضی از کارها را موکول به نظارت شرکت فرش می‌دانستند یا از کارشناس‌های شرکت فرش درگمرگ استفاده می‌کردند و همیشه دو کارشناس به صورت مأمور در گمرگ دعوت می‌کردند و خواهان بازبینی می‌شدند، آن فرش‌های صادراتی را به صورت راندومی، باز و نگاه می‌کردند، اگر رنگ‌ها، طرح و نقشه و همه چیز آن اصالت لازم را داشت اجازه می‌دادند ترخیص شود (صادر) و این کار کم‌کم کمرنگ شده، الآن متوقف شده است به خاطر اینکه صادرات فرش کمی ضعیف شده است، از طرفی کارشناسانی که در گمرگ بودند بازنشست شدند. بعد از انقلاب که با دو سه مؤسسه کار می‌کنم به منزله یک اتاق فکر توصیه‌کننده هستند، نقش اجرایی ندارند و توصیه آن‌ها هم باید و شاید جدی گرفته نمی‌شود که به کارهای دیگر همچون تقدیر از نخبگان هنرهای سنتی یا تنایبی ایران می‌پردازند. دولت یک جاهایی فقط تحت‌عنوان اجرای طرح‌ها، پول می‌داد که بتواند روی پای خود بایستد ولی همیشه با دخل و خرج و سودوزیان، باید مانند دیگر شرکت‌های خصوصی غیردولتی می‌گذراند، باید به شما مکانیسم کار شرکت را در چند کلمه بگویم؛ شرکت سهامی فرش ایران از بودجه دولت استفاده نمی‌کرد یعنی همچون یک شرکت خودگردان کار تولید و فروش انجام می‌داد و سالیانه درآمدی داشت که بعد از هزینه‌های اداری و پرداخت حقوق پرسنل و مالیات، سود ویژه را به خزانه دولت واریز می‌کرد. همیشه شرکت فرش بودجه اضافی می‌خواست و چشم‌به‌دست دولت بود، دولت هم از طریق سازمان برنامه، مثلاً جهت راه‌اندازی آموزش، ایجاد اشتغال در مناطق کویری یا مرزی و فقیرنشین طرح و پروژه‌های در قالب فرم سازمان برنامه تنظیم می‌کرد و مبلغی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان پول می‌داد که در فاصله چهار سال اجراء کند، اتفاقاً یکی از کسانی که طرح‌های شرکت را در سال‌های دهه ۵۰ به بعد می‌نوشت خود من بودم که قائم‌مقام اجرای طرح‌های سازمان برنامه بودم.

شرکت سهامی فرش ایران به طور کلی بر دو آیتم تکیه داشت؛ یکی تولید فرش و دیگری فروش آن فرش‌ها بود. یعنی همان تجارت داخلی و خارجی که در آخر تمامی درآمدها مستقلاً در زمینه‌های مزد قالیباف، مواد اولیه، پشم شویی و مانند آن‌ها را انجام می‌داد. اگر دولت زمانی می‌خواست اشتغالات و مهارت‌هایی به وجود آورد بخشی را به فرش اختصاص می‌داد و آن بخش به سلیقه و فرمت سازمان برنامه به صورت پروژه‌ای پنج‌ساله نوشته می‌شد مثلاً فلان حاشیه کویر در عرض چهارسال مهارت قالیبافی بیابند و بعد اشتغال آن‌ها هم دست خود آن‌ها بود که با شرکت فرش قرارداد می‌بستند که قالی را به پایان برسانند و پس از دریافت پول و سود آن، دوباره قالی می‌یافتند».

بنابر اسناد موجود سیاست‌های شرکت سهامی فرش ایران، هدایت به سمت نیازهای صادراتی و تغییر در طرح، رنگ، اندازه با توجه به سلیقه مشتریان خارجی و صادرکنندگان، حضور مستقیم





و غیرمستقیم توسط نمایندگی‌ها در نمایشگاه‌های بین‌المللی خارجی جهت بازاریابی و توسعه صادرات و راه‌یابی به بازارهای جدید، دریافت سفارش بافت فرش‌های خاص برای اماکن و محل‌های مخصوص و مانند آن است (شرکت تبلیغاتی و انتشاراتی پیشگر، ۱۳۵۱، ص ۴).

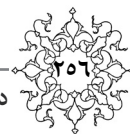
ذوق و خلاقیت هنری هر جامعه‌ای از سنن زندگی و سوابق تاریخی و محیط زیست آحاد آن قوم الهام می‌گیرد و غالباً این ذوق و استعداد در یک یا چندرشته خاص به‌گونه‌ای متبلور می‌شود که رقابت جوامع دیگر با آن ملت‌ها به‌دلایل متعدد تا حدودی دشوار می‌گردد. امروزه، بافتن فرش به گسترده‌ترین هنر دستی در ایران مبدل شده است و همین‌طور در خارج از کشور هم به‌خوبی شناخته شده است. فرش‌های ایرانی امروز به‌خاطر رنگ و تنوع و الگوهای گوناگون‌شان، از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است.

### **جناب محسنی تحولاتی که در شرکت سهامی فرش ایران دهه ۳۰ و ۴۰، شاهد آن بودید را بفرمائید.**

یکی از تحولات اداری شرکت سهامی فرش ایران این بود که در شهر صنعتی کرج واقع در شمال آن، ذوب آهنی وجود داشت که به شرکت جهت ایجاد کارخانه پشم‌شویی و ریسندگی واگذار کردند تا آن را راه‌اندازی نماید. این کارخانه اولین پشم‌شویی است که از محل اعتباری کمک آمریکا مطابق اصل ۴ ترومن در سال ۱۳۳۳ به شرکت سهامی فرش ایران به بهره‌برداری رسید که بعد کارخانه ریسندگی و رنگرزی به آن اضافه شد -اطلاعات من از این جهت است که مدتی با حفظ سمت، مدیریت آن کارخانه را برعهده داشتم- این کارخانجات با ارائه بهترین نخ‌های پشم مصرفی، ضمن کلیه خامه‌های موردنیاز شرکت در تمامی ادوار از جمله سرت<sup>۱</sup> و شستشوی پشم، ریسندگی و رنگرزی مطابق معیارهای استاندارد در ایران و جهان از دیگر واحدهای تولیدی سفارش می‌پذیرد».

در سال‌های ۱۳۴۰ الی ۱۳۵۰، زمان دکتر ارسنجانی وزیر وقت کشاورزی و تعاون، مأموریت من در آبادان و کرمان بود. شعبه آبادان که در حد یک اداره هم نبود و فقط یک فروشگاه سه دهنه داشت بر مبنای توسعه تجارت فرش دایر شده بود. آقای دکتر حمید ذهبی مدیرعامل وقت از من انتظار فروش و سود بیشتر را در آنجا داشت، طی ۷ سال با ارتباطی که با شرکت نفت و دیگر دست اندرکاران فرش حتی کلیمی‌های آنجا که تجارت خارجی فرش را داشتند پیدا کردم و نمایشگاهی را دایر کردم که حاصل آن افزایش در فروش فرش و ایجاد سوددهی بود به‌طوری که درآمد آنجا به پنج برابر افزایش یافت. در سال ۱۳۴۷، باز به دستور ایشان به کرمان منتقل شدم مأموریت پیدا کردم که کارگاه‌های تعطیل شده توسط وزارت کار را احیاء کنم و سروسامانی به کارگران و قالبیافان بدهم، چرا که در چارچوب وزارت کار قرار نمی‌گرفتند. در آنجا آرشویی تقریباً به‌وسعت

۱. جداکردن موهای دست و پا و زیر شکم گوسفند را که سرتینگ هم می‌گویند.



چهل مترمربع درست کردم و تمام نقشه‌های آن زمان که از شرکت‌های خارجی به‌جا مانده و تولید نمی‌شد، مرمت و به چرخه تولید در آوردم -البته امروزه در آرشیو ملی ایران نگهداری می‌شود- نقش‌های آن عهد کمپانی را به قالیبافان دادم و به‌نرخ بازار و قیمت منصفانه بعد از فروش قالی‌ها، ۸۰ درصد از فروش را به آنان و ۲۰ درصد را به حساب شرکت واریز می‌کردم. آن زمان فروش فرش‌ها توسط کارشناسان تهران صورت می‌گرفت، از آنجایی که محوریت فروش مشتری‌مداری نبود سود خوبی حاصل می‌شد. چرخه فروش دیگر شرکت از طریق اقساط به کارمندان دولت بود که چند ماهه از حقوق آنان کسر می‌شد و دایره وصولات آن را اخذ می‌کرد. در آنجا کارگاه متمرکزی دایر کردم که الگوی وزارت کار گردید، آن زمان وزارت کار دستور داد که شرکت‌های دیگر کارگاه متمرکز دایر کنند. من در آنجا ابتدا با سلاطین فرش<sup>۱</sup> که هر کدام تهدیدی علیه شرکت محسوب می‌شدند مواجه بودم که خوشبختانه با حمایت استاندار وقت، «هوشنگ منتصبی» -از بستگان خانم فریده دیبا هم بود- این موانع هم برطرف گردید و آنان را به تهران منتقل کردند و دستور دادند من را نماینده کارفرمایان قرار دهند، خوشبختانه کلیه قالیبافان را با طرحی که در اختیار داشتم بیمه کردم».

### تعیین مدیرعاملان در شرکت به چه صورت انجام می‌شد؟

شرکت سهامی فرش هرچند سال مدیر را عوض می‌کرد و به‌صورت هیئت‌مدیره اداره می‌شد، سه عضو هیئت‌مدیره حداقل یکی از آن‌ها از طرف صاحبان سهام و تصمیم‌گیری و یا وزیر، فردی را به‌عنوان مدیرعامل محسوب می‌کرد. شرکت یک مجمع عمومی داشت با سه عضو، شامل: سازمان برنامه بودجه، وزارت دارایی و یکی هم از وزارت اقتصاد -بعدها بازرگانی و الآن تجارت- محسوب می‌شود. عضو غیردولتی نداشت ولی گاهی با خود می‌آوردند، سالی یک‌بار به مناسبت سالروز تأسیس شرکت -هفدهم آبان ۱۳۱۴ بود- مجمع عمومی هم تشکیل می‌شد. ساختار اداری شرکت به‌شکل هیئت‌مدیره، مدیرعامل، مدیران بدنه که هر کدام معاون و رئیس اداره زیرمجموعه داشتند شامل: رئیس امور اداری، رئیس امور بازرگانی (رئیس صادرات، مسئول فروشگاه‌ها، رئیس امور اقساط و تأمین اعتبار، حسابدار بازرگانی و رئیس ارسال هیئت ارزیابی فرش)، مدیر اسناد وصولی، مدیر اجراء، مدیر روابط عمومی، مدیر تولیدات شعب، مدیر کارخانجات کرج را هم شامل می‌شد. در شعبات هم رئیس شعبه، معاون، رئیس حسابداری و بازرس بودن».

### مدیر عامل‌های زمان خود را معرفی می‌کنید؟

در زمان آقای عبدالغدير آزاد<sup>۲</sup> به استخدام شرکت سهامی فرش درآمدم. بعد از ایشان شخصی به نام آقای مهندس بهبهانی (برادرزاده آیت‌الله بهبهانی، [که] زمانی کارخانجات کرج را راه‌اندازی

۱. سلاطین فرش از خانواده‌های تجار فرش محسوب می‌شدند که بازار فرش را در دست داشتند. به‌جهت حضور خانواده‌های آنان از نامبردن این افراد خودداری می‌کنیم.  
۲. عبدالغدير آزاد یکی از نمایندگان شورای ملی زمان دکتر مصدق بودند. در ابتدا در صف حرکت ملی شدن نفت بود ولی بعدها با کودتای ۲۸ مرداد جز مخالفین برآمد. وی توسط محمد رضاشاه به‌عنوان مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران منصوب شد.



کرد؛ بعد آقای حسن‌علی رفیعا - [که] زمانی مدیرکل کارگزینی وزارت دارایی هم بود- و بعد آقای منوچهریان - [که] زرتشتی بود- روی کار آمدند]. در همان دوره یک دعوایی در سطح وزارتخانه با هیئت‌مدیره پیش آمد و جبهه جدیدی به‌روی کار آمدند که با قبلی‌ها مخالف بودند، علت این اختلافات سیاسی بود. آن زمان ببحوجه اجرای اصلاحات ارضی هم بود که برادر دکتر ارسنجانی، مهندس نورالدین ارسنجانی رئیس شرکت سهامی فرش ایران شدند، دقیقاً سال ۱۳۴۰ بود. البته مهندس خداداد رفیع و مخصوصاً مهندس نورالدین ارسنجانی که هم رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت بود فعال می‌باشد بودند. - زمان دکتر عالیخانی وزیر اقتصاد و دارایی دکتر حمید ذهبی مدیرعامل شرکت فرش شد و در سال ۱۳۵۰ بنابه درخواست ایشان به تهران آمد. مدیرعامل بعدی شرکت به نام دکتر علاء کیایی اهل توپسرکان - هم دوره هوشنگ انصاری در آمریکا بود- انتخاب گردید. ایشان در زمینه فرش اطلاعات خوبی داشت و سبک جدید تولید و تجارت را ارائه کرد. در سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۴ آقای محسن دعا بودند، بعد آقای پوشیدر مشاور آقای فرید - همسر شمس پهلوی- قبلاً مدیرکل کارگزینی وزارت دارایی بودند روی کار آمدند. در سال ۱۳۵۷ آقای نقیب سادات زمان مرتضی زمانیان سال ۱۳۵۷، معاون وزیر بازرگانی - نخست‌وزیری ازهارى- بودند.

بعد از انقلاب در زمان نخست‌وزیری مهندس بازرگان، آقای صدر وزیر بازرگانی بودند. اولین مدیرعامل جوانی ۳۲ ساله به نام محمد رواقی<sup>۱</sup> مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران شد. بعد آقای یزدان‌پناه مدتی سرپرست شدند و بعد زمان آقای عسکراولادی وزیر بازرگانی زمان نخست‌وزیری مهندس میرحسین موسوی، آقای نوری - که جزء اصناف فرش بازار بودند- مدیرعامل شرکت شد و بعد از استعفای وزیر، دکتر حسن عابد جعفری وزیر بازرگانی همان دوره محمدرضا عابد را مدیرعامل منصوب کرد که بعد از ۱۵ سال، زمان دکتر محمد شریعتمداری وزیر بازرگانی ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی آقای محمدعلی کریمی مدیرعامل شد بعدها رخ صنعت، بیدآبادی - فرش فروش بود- و درخشان به‌عنوان هیئت‌مدیره انتخاب گردیدند. بعد دکتر بسطامی و در حال حاضر باز محمدرضا عابد این مسئولیت را برعهده دارد (عابد، ۱۳۹۶، مصاحبه تاریخ شفاهی، جلسه سوم، ساکما).

## استاد محسنی از زمان آقای آزاد تا منوچهریان چه تغییراتی در شرکت فرش ایجاد شد؟

شرکت سهامی فرش از زمان آزاد، تغییراتی در کارکرد اداری صورت گرفت، تمام وصولات با روش جدید انجام یافتند و تغییراتی در نحوه مکاتبات حاصل شد. در حقیقت چارت سازمانی شرکت از دهه چهل به بعد تغییر یافت.

۱. شهید محمد رواقی اولین مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. وی تحصیلات خود در مقطع دکترا در آمریکا رها کرد. طرح سهم‌شدن قالیبافان درآمد حاصل از فروش از خدمات او می‌باشد. وی در واقعه هفتم تیر ۱۳۶۰ حزب جمهوری به‌همراه شهید بهشتی و یارانش به شهادت رسید.



## فرش ایران از چه زمانی ماشینی شد؟

فرش دستبافت هیچ‌وقت ماشینی نشد. به یاد دارم زمانی که دکتر اقبال نخست وزیر -دهه سی بود- بخشنامه‌ایی را صادر کرد که ورود فرش‌های ماشینی و ماشین‌های فرش‌باف برای ایران ممنوع شد و شدیداً جلوی آن را گرفتند، این وضعیت تا دهه پنجاه ادامه داشت و از آن زمان -دوره نخست‌وزیری هویدا- به بعد ورود فرش ماشینی یا ماشین فرش‌بافت اوج گرفت.

## مهم‌ترین اقدام در خصوص رفاهیات قالیبافان صورت گرفت چی بود؟

دولت در شهرها و روستاهای بزرگ دستور داد به استادکاران و قالیبافان بی‌مسکن کارگاه‌های متمرکز بسازند تا قالیبافان جذب شوند و هزینه برای مسکن نداشته باشند. این اتفاق در زمان نخست‌وزیری هویدا صورت گرفت و ایشان به کرمان -دوره‌ای که مدیر آنجا بودم- هم بازدید داشت.

## چطور دولت به این نتیجه رسید، آیا ضرورتی یا در کنار آن برآورد کارشناسی وجود داشت؟

از آنجایی که سازمان ملل هر ساله مرسوم بود که نمایندگان کارگران دور هم جمع شوند، اگر انتقادی در اجرای کار کارفرمائی‌ان و قوانین موجود که مضر به حال آنان بود را مطرح کنند، آن زمان نامه‌ها و عکس‌هایی ارائه شد مبنی بر اینکه زنان قالیباف در ایران شرایط سختی به سر می‌برند -البته در بعضی از قسمت‌ها از محرومیت برخوردار بودند ولی اینان رنگ و لعاب آن را زیاد کرده بودند- بر این اساس دولت ایران را به چاره‌جویی واداشتند در نتیجه دولت به فکر سروسامان دادن قالیبافان افتاد. در کرمان که بدین منظور رفته بودم به هنگام ساخت کارگاه متمرکز، خواستار تیم مهندسی شدم که فردی به نام «ریمونددریس» -جزو سپاه صلح به‌شمار می‌آمد و خدمت نظام وظیفه را طی می‌کرد به‌جای ویتنام آن را به ایران فرستادند- این کار انجام شد. در همان زمان وزارت کار برای این کارگاه‌ها قوانینی را اعلام کرد از جمله اطفال کمتر از ۱۲ سال از محیط قالیبافی دور باشند، قالیبافان را براساس بیمه جاری مملکت بیمه کردند و حداقل چند نمونه در مراکز استان برای قالیبافان مسکن ارائه کردند که البته این کارگاه بعدها به مرکز توریسم‌ها تبدیل شد.

## جناب آقای محمودی<sup>۱</sup> قبل از استخدام به شرکت فرش، آشنایی شما با فرش چگونه بود؟

شرکت فرش تا آنجا که به یاد دارم قبل از سال ۱۳۵۵، زیر نظر وزارت اقتصاد و دارایی بود چرا که کارگاه بهداشت و خانگی طبق قانون ۱۳۱۴، آرم این وزارتخانه را بر روی خانه‌های بازسازی

۱. استاد غلامحسین محمودی متولد ۱۳۳۸/۲/۱۵ ش. در شهرستان مشهد اردهال کاشان به دنیا آمد، کارشناس طراحی و نقاشی فرش بود، سال ۱۳۶۳ ش. به‌عنوان کاردان رنگ و نقطه چین وارد شرکت سهامی فرش شده تا سال ۱۳۹۳ که مدیر طرح و رنگ بود بازنشست شد.



شده می‌زدند و حتی تابلو شرکت هم با مشخصات آن ثبت شده بود. از سال ۱۳۵۵ به بعد وزارت بازرگانی مسئولیت شرکت را تا چند سال پیش برعهده داشت بعد زیر نظر وزارت صنعت و معدن و تجارت شد حالا هم که شرکت فرش دیگر متولی ندارد و آن عناوین هم از کنار آن حذف شد. از آنجایی که کاشان مهد هنر فرش است و بسیاری از خانواده‌های آن در شغل فرش و طراحی به سر می‌برند از آنجایی که شغل خانگی داشتند بیشتر فرشباخان آن خانم‌ها بودند و کلاً فرش کاشان را خانم بافت می‌گویند. در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲، به کارخانه ریسندگی می‌رفتم، مدیر این کارخانه فردی خیر-بیمارستان، مدرسه و دانشگاه ساخت- بود و به پدر نساجی هم معروف بود، «ارباب حسن تفضلی» نام داشت. کارخانه وی در سه فاز دایر شده بود ولی متأسفانه بعد از انقلاب یکی‌یکی خصوصی شد و جمع گردید. وی تکنولوژی را از آلمان، بلژیک و آمریکا وارد ایران کرد، بیکاری را از بین برد، مردم او را پدر صدا می‌کردند و با نفوذ قلبی مدیریت می‌کرد. دیگر از فعالین فرش کاشان خانواده طلوعی‌ها بودند همه آن‌ها طراح و نقاش بودند که آقای حسین کاشانی در کارگاه ایشان کار می‌کردند.

قبل از سال ۶۲، فعالیت طراحی بسیار داشتم و همیشه از آن به‌عنوان یک فن نگاه می‌کردم ولی از زمانی که با شرکت سهامی فرش آشنا شدم آن را به‌عنوان یک هنر نگاه می‌کنم. به‌مرور به آکادمیک راه یافتیم، درک و مطالعات من بیشتر شد.

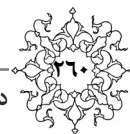
### شما در دوره کدام مدیرعامل‌ها کار کردید؟

از زمان آقای محمدرضا عابد استخدام شدم که به مدت ۱۵ سال ایشان مسئولیت داشتند. در دوره سیدمحمد خاتمی - رئیس‌جمهور وقت - آقای محمدعلی کریمی، مدیرعامل شدند. ارتقاء شغلی من در زمان ایشان اتفاق افتاد. سپس دکتر بسطامی و مجدداً آقای عابد که هنوز هم هستند که در حقیقت حکم جذب و بازنشستگی من در زمان ایشان توأم بود.

### مهم‌ترین اتفاقاتی که در این دوره‌ها افتاد چه بود؟

بیشترین دوران تولید در دهه ۷۰، بوده است که خوش‌ترین این دوران شکوفایی پروژه‌ها بود به‌طوری‌که ما جایزه تولید بیشتر در این دوره را گرفتیم. ولی بعدها به علت عدم سفارش که ناشی از نداشتن ارتباط سیاسی با دنیای بیرون از کشور منجر به رکود شرکت شد. هر زمانی که ارتباطات سیاسی و اقتصادی ما کاهش می‌یابد به تولید فرش هم لطمه وارد می‌شود چرا که بیشترین بازار فرش در آلمان و اروپا می‌باشد. یکی دیگر از دلایل رکود فرش، ورود بیش از حد پارچه‌های خارجی و ارزان که به نساجی دیرپای ایران لطمه زیادی وارد کرد. در سال ۶۹ دوره کاردانی فرش در زمان آقای عابد دایر شد، من وارد آن دوره شدم و سال ۷۱، فارغ‌التحصیل شدم. استاد‌های آن

۱. ارباب حسن تفضلی متولد ۱۲۷۰ ش.  
در کاشان وفات در آبان‌ماه سال ۱۳۴۶،  
با احداث کارخانه نساجی در فازهای ۱،  
۲ و ۳ به پدر نساجی ایران لقب گرفت، او  
فردی خیر بوده به ساخت مراکز رادیولوژی  
و سی‌سی‌یو، بنیانگذاری نهادهای غیردولتی  
و مردم نهاد همچون اتاق بازرگانی کاشان،  
ساخت دانشکده علوم پزشکی، و... از  
ویژگی‌های ایشان به‌شمار می‌رفت.



دوره شرکت فرش، دروس تخصصی را در دانشکده هنر تدریس می‌کردند که آقایان پاکدست، بابایی -ارزیابی فرش را درس می‌داد- استاد الله‌داد، استاد خلیل درودچی از بنیانگذاران آن رشته و همین‌طور عضو هیئت‌مدیره بودند -تاریخ فرش را با تبحر تمام درس می‌دادند- در حقیقت دانشکده فرش مدیون یکی از همین استادها همچون مرحوم خلیل درودچی می‌باشد.

یکی از پروژه‌های مهم این دوره؛ تولید و بافت فرش ۶ هزار متری ابوظبی بود که در طول ۱۹ ماه به طول انجامید. قبل از انجام آن یک فرش ۱۲ متری تلفیقی را به‌عنوان الگو شکل دادیم و بعد از مطالعه و نمونه‌گیری از رنگ‌ها -به کمک آقای پارسا صورت دادیم- تست اولیه آن برای تولید انبوه جهت کاربرد در این پروژه، موفق شدیم با یک تیم ۱۲ نفره کار طرح تلفیقی آن را شروع و در موعد مقرر تحویل دهیم و در مسجد ابوظبی پهن کردیم. این پروژه در زمان خود و حالا نیز هم بی‌نظیر به‌شمار می‌آید. در این دوره اصولاً کارها به‌صورت شورایی انجام می‌شد، در کمیسیون طرح و نقشه جمع می‌شدیم و مسائل را با دیگر مدیران مجموعه بررسی و تصمیم می‌گرفتیم.

### آقای عابد<sup>۱</sup> از چه زمانی به شرکت سهامی فرش ایران راه یافتید؟

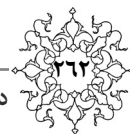
از سال ۱۳۵۸ در زمان آقای صدر به‌عنوان کارشناس اداره صادرات و واردات مشغول شدم، این اداره نقش بسیار فعالی داشت و مجوزهای کالا با وزارت صنایع، مشترک بود که با امضاء مدیرکل مقررات و یکی از وزارت صنایع مشترکاً امضاء می‌کردند و صادر می‌شد. بعد در واحد نساجی تا سال ۱۳۶۰ فعالیت کردم که آن زمان مدیرکل وقت آقای مجتبی فلسفی -فرزند حاج آقا فلسفی واعظ معروف- بود. در همان سال آقای عسگراولادی وزیر بازرگانی شد که آن زمان ایشان و آقای توکلی وزیرکار وقت با مهندس موسوی نخست‌وزیر وقت بر سر مسائل مدیریت دولتی اختلاف نظر داشتند و در نهایت منجر به استعفای این دو گردید. بعد از ایشان هم آقای عابد جعفری وزیر بازرگانی شدند. در آن زمان یکی از شرکت‌هایی که با مشکل مواجه بود همین شرکت سهامی فرش ایران بود. آقای نوری مدیرعامل وقت، به‌جهت کار زیاد شخصی ایشان در حجره بازار، کمتر به‌مسائل شرکت توجه داشتند لذا اقدامات اعضای هیئت‌مدیره از دید ستاد فرمان ۸ ماده‌ای امام (ره) -مسئول آن زمان آیت‌الله موسوی اردبیلی بودند- تخلف کردند درحالی‌که اصل قضیه این نبود. انعکاس تلویزیونی توسط ستاد، نوعی بدبینی را در افکار عمومی نسبت به عملکرد شرکت سهامی فرش به‌وجود آورد، البته دادگاه حکم به تبرئه این عزیزان داد. در این اوضاع و احوال آقای عابد جعفری متوجه شدند که بنده اطلاعات کافی درخصوص فرش و تولید آن دارم، آن زمان جوان ۳۰ ساله‌ای بودم با تمام مخالفت‌های خودم ایشان حکم کردند که به شرکت سهامی فرش بروم تا مشکلات آنجا و تعیین هیئت‌مدیره بررسی نمایم، این شد که در آبان ۱۳۶۲ به مدیرعاملی شرکت منصوب و تا خرداد ۱۳۷۷ مسئولیت داشتم.

۱. محمدرضا عابد متولد ۱۳۳۲/۶/۱۲ از شهر کاشان بود، پدر وی نقاش و تولیدکننده فرش دستباف، از سوی خانواده مادری نسب وی به فخرالمتکلمین و صدرالمتکلمین می‌رسد. ایشان در دو دوره مدیرعامل شرکت سهامی فرش بودند.



## آقای عابد طی بررسی‌های به‌عمل‌آمده خود شما عملکرد شرکت سهامی فرش ایران قبل و بعد از انقلاب - تا سال ۶۲، یعنی زمان انتصاب شما - چگونه بررسی می‌نمائید؟

در دوران نوجوانی وقتی به اتفاق پدر به اطراف خمین و گلپایگان می‌رفتم یک سری بافنده‌های کند و فرش‌باف نامرغوب دیده بودم که ذهنیت من نسبت به شرکت فرش منفی بود که ضعیف‌ترین فرش‌ها را می‌بافند، وقتی وارد شرکت شدم و بررسی‌های به‌عمل‌آمده دیدم در قبل از انقلاب این شرکت یک سکوی پرتاب برای مناصب دولتی از استانداری تا معاون وزیر بوده از جایگاه ویژه برخوردار می‌بود به‌طوری‌که اختیارات بسیار وسیع این شرکت در زمان پهلوی اول و دوم از آرشیو روزنامه‌ها دیدم که صادرات باید تحت‌نظارت شرکت بود. مدیرانی از جمله دکتر کیایی داشتند که پایه‌گذار تولید براساس یک برنامه‌ریزی و استراتژی - از اول شروع طرح، نقشه و مواد اولیه تا مرحله کنترل و نظارت - به‌خوبی صورت می‌گرفت. بعد از انقلاب از ۵۸ تا ۶۲ سه مدیرعامل و یک سرپرست آنجا قبل از من بودند. در طی شش‌ماه مرحوم «شهیدرواقی» تحولات خاصی را در شرکت برنامه‌ریزی کردند - ایشان در مدرسه عالی بازرگانی درس خوانده بود و در اروپا مشغول تحصیل بودند و جز انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور هم بودند - که این عملکردها بازتاب خوبی برای شرکت سهامی فرش ایران، گذاشت؛ از جمله طرح سهام‌کردن بافندگان در سود فرش‌بافی نه صرف اکتفا به دستمزد، همین‌طور خدمات درمانی و بازنشستگی فرش‌بافان را در دستور کار خود داشتند. شرکت زمانی در اتحادیه صادرکنندگان جزو عضو افتخاری محسوب می‌شد و این اتحادیه کارت صادرات را مالاک صادرکنندگان می‌دانست، ولی ایشان با طرحی که در دست داشتند، صادرکنندگان می‌باید از طریق وزارت بازرگانی و به تأیید شرکت سهامی فرش می‌توانند صادرات فرش را متقبل شوند. ایشان مدیران قبل از انقلاب را جابه‌جا نکرد و با خود در آن شرایط نیرویی به شرکت نیاورد و برای نیروهای موجود برحسب کارایی و اعتماد، امتیازبندی قائل شد که بعدها به اسناد ایشان مراجعه کردم دیدم نمره مثبت و منفی به کارمندان خود می‌داد و همه کارمندان به او علاقه‌مند بودند. ایشان در جایگاه مدیرعامل، نقش مؤثری در دستگاه دولت و شخص مرحوم شهید بهشتی داشتند به‌طوری‌که در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور شرکت می‌کردند این نشان از قدرت و منش ایشان در دفاع از شرکت می‌بود که متأسفانه در جریان واقعه ۷ تیر ۱۳۶۰، به درجه شهادت رسیدند و نعمت بودن ایشان را از دست دادیم. بعد از ایشان آقای یزدان‌پناه چند ماهی سرپرست بودند تا زمان روی کار آمدن آقای عسگرآولادی وزیر بازرگانی وقت، وزیر جدید تیمی از افراد باتجربه و متخصص فرش بازار به‌عنوان هیئت‌مدیره منصوب کردند که آقای نوری از تجار متدین آن‌زمان مدیرعامل شدند اینان هم دو سال در این مسئولیت بودند. ایشان موفق شدند ۳۰۰ میلیون تومان از بانک مرکزی کمک بگیرد که قرار شد تا سال ۶۲



برگرداند که در زمان من امکان پرداخت نبود. ایشان همین‌طور به تعدادی از دوستان تاجر فرش در خارج از کشور مأموریت داده بودند تا مطالعه و بررسی کنند که چه‌طور می‌شود شرکت فرش در هامبورگ و اروپا نمایندگی داشته باشد.

### آقای عابد در زمان تصدی شما شرکت سهامی فرش ایران با مشکلاتی مواجه بود؟

از جمله مشکلاتی که شرکت سهامی فرش ایران در طول تاریخ تاکنون با آن مواجه بوده کمبود نقدینگی است. چون اصولاً پروسه تولید فرش طولانی‌مدت و کار دست می‌باشد لذا شما باید تزریق نقدینگی حتی بعد از عملیات محصول در جهت فروش، سفارش دهنده را انجام دهید. دیگر از مشکلات تغییر رای افکار عمومی بعد از قضیه زمان مدیرعاملی آقای نوری بود، قبلاً عرض کردم این عامل به هنگام مسئولیت در شرکت منجر شد که خیلی هزینه در جهت اعتمادسازی بنمائیم، بدین خاطر در سال ۱۳۶۲، پائین‌ترین نرخ صادراتی را داشتیم.

طی بررسی‌های به‌عمل آمده، دلیل دیگر پائین‌بودن صادرات فرش را می‌توان این موضوع دانست که سرمایه‌های شرکت فرش طی سال‌های ۵۹-۶۰ ش. از طریق خروج فرش انجام شد. افرادی را که از ایران خارج می‌شدند چون امکان حمل‌ونقل پول را نداشتند با خرید فرش سرمایه خود را خارج می‌کردند، بدین جهت دولت پیمان ارزی<sup>۱</sup> را برقرار کرد. این پیمان باعث شد که صادرات ما افت بسیاری داشته باشد چون کارشناس گمرک قیمت کف بازار تهران را ملاک عمل قرار دادند درحالی‌که امکان رفو و مرمت فرش وجود داشته باشد لذا منجر به پائین آمدن صادرات فرش گردید.

### آقای عابد با توجه به اینکه شرکت فرش می‌تواند درآمد بالایی را برای دولت داشته باشد چرا از کمک مالی به دولت، چه قبل و چه بعد از انقلاب، جزء در موارد خاص خودداری می‌کرد؟

قبل از انقلاب دولت یک بودجه جاری در سال به شرکت فرش می‌داد ضمن اینکه در مواقعی که نیازمند اشتغال بود از بودجه عمرانی کمک می‌کرد. بعد از انقلاب این روش ادامه داشت. اما نکته‌ای که اتفاق افتاد این است که آن زمان آقای کلاهدوز معاون برنامه و بودجه معتقد بود شرکت‌های خصوصی زیان‌ده، حق ورود به سازمان برنامه تا زمان سوددهی مانند شرکت فرش را ندارند. به این دلیل که دولت یک درآمد محدودی دارد و ما هم یک شرکت تجاری هستیم باید فعالیت بیشتری داشته باشیم و به امید دولت نباشید در ضمن به دولت هم باید کمک کنید، این عوامل باعث شد که شرکت به دنبال منبع درآمد باشد. از طرفی قانونی آن زمان در مجلس تصویب شد که همه شرکت‌ها می‌بایست پیشاپیش مالیات بدهند، حال چه سود یا زیان بکنیم. آن زمان مقررات دولتی زیاد بر شرکت حاکم بود و همیشه در معرض دید دیوان محاسبات بودیم. آن موقع

۱. براساس پیمان ارزی دولت فرش را قیمت‌گذاری می‌کرد که هرکسی فرشی را از ایران خارج کند می‌باید براساس آن ارز را به آن مبلغ برگرداند. البته اینکار از طریق گمرک و بانک صورت می‌گرفت نه شرکت سهامی فرش، یعنی اول فرد می‌بایست اعتبارش مورد تأیید قرار بگیرد و سپس تعهد بدهد که بتواند به مبلغ تعیین‌شده و در مدت کوتاه دلارها را برگرداند.

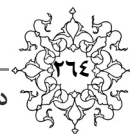




دو سال اول با مشکل مواجه بودیم، مهندس موسوی به فرش بهاء می‌داد اما معتقد بود همه کارها را بر روی فرش زوم نکنیم. آقای عالی‌نسب مشاور ایشان معتقد بود که صنعت فرش هنر استثماری است و غربی‌ها می‌خواهند ما را مشغول گره‌زدن بکنند ولی خود آن‌ها تمام امکانات الکترونیکی و صنایع پیشرفته را انجام دهند، ما نباید تحت‌تأثیر برنامه‌های غربی‌ها باشیم. البته داشتیم کسانی چون مرحوم نوربخش در ابتدا درآمد نفت را ارجح‌تر از درآمد ناچیز فرش می‌دانست اما موقعی که ایشان در بخش مؤسسه‌های خصوصی وارد شدند به سراغ صادرات فرش نزد ما آمدند.

### **آقای عابد یکی از مشکلات فرش جابه‌جایی متولی آن است، گاهی وزارت دارایی و گاهی وزارت بازرگانی و الآن هیچ‌کدام، علت چیست؟**

علاوه بر نگاه بعضی افراد در وزارتخانه‌ها، زمان مرحوم شهید رواقی بررسی کردم که صنایع دستی قرار بود شرکت فرش را در اختیار بگیرد ولی با استدلال‌های ایشان این طرح به بن‌بست خورد. در زمان ما هم فکر می‌کردند که چون تازه آمدیم بهترین فرصت می‌دانستند که شرکت را به وزارت صنایع ملحق کنند. قضیه از این قرار بود که در زمان آقای خاموشی اتاق بازرگانی به دنبال کاهش قیمت بودند که از طرف وزارت بازرگانی به ما محول شده بود. در جلسه شورای عالی اقتصاد مورخ آذر ۱۳۶۲ - رئیس آن مهندس موسوی و دبیر آن دکتر بانکی بود - حضور داشتم قرار این بود نظر اتاق بازرگانی را در خصوص کاهش صادراتی فرش مورد بررسی قرار دهیم. در آن جلسه -متأسفانه وزیر وقت آقای عابد جعفری حضور نداشت- بحث‌های مفصلی شد ما هم تجربه دو سه ماه داشتیم و متکلم وحده بودم و به مشکلات شرکت فرش، تقویت کارخانه‌های ریسندگی و طریقه چین پشم گوسفند مطالبی را ارائه کردیم، بعد بنابه خواسته آقای هاشمی‌طبا و وزیر صنایع وقت، من و آقای حسینی، رئیس جدید مرکز توسعه و صادرات از جلسه بیرون رفتیم. بعد از چند روز صورتجلسه‌ای به دست ما رسید که در آخرین بند آن پیشنهاد الحاق شرکت سهامی فرش ایران به وزارتخانه صنایع بود که در دستور کار بررسی گذاشته بودند و مسئول این مصوبه مرحوم مهندس سادات، معاونت نساجی وزارت صنایع بود، این مسئله شوکی در ما ایجاد کرد، من از طرفی مخالف بودم و از طرفی هم دوست نداشتم در زمان من این اتفاق بیفتد و در جلسات آقای سادات هم رضایت به شرکت نداشتم. در این ماجرا بود که وزیر، دی ماه همان سال از ما درخصوص برگزار همایش فرش دست بافت بنابه پیشنهاد رئیس جمهور وقت -مقام معظم رهبری- با تلفیقی از نقطه‌نظرات بخش خصوصی و دولتی خواستند اجرا شود که در این راستا جناب رئیس جمهور هم اشاره داشتند که قبل از برگزاری همایش، گزارش را به ایشان محول کنیم تا نقطه‌نظرات و رهنمود ایشان را هم بشنویم. ما فقط از جانب دولتی‌ها آقایان نوربخش و بانکی را داشتیم و در عین حال هیئت‌مدیره سابق با تمسخرهای فراوان ما را در این حد برگزاری همایش نمی‌دانستند. خلاصه



به‌هنگام جدی‌شدن این همایش سه روزه فشارهای زیادی از اطراف مبنی بر حضور آقایون مخالف هم بود که به ناچار پذیرا شدیم. اتفاق خوبی که در کنار آن افتاد این بود که ستاد همایش بنابه درخواست رئیس جمهور به نزد ایشان رفتیم و گزارش حاصله را اعلام کردیم. جناب رئیس جمهور در دفاع از شرکت فرش و تجربیات خود مطالب مهمی را اشاره کردند و مخالفت خود را با اجرای مصوبه شورای عالی اقتصاد اعلام کردند که صادرات و بازرگانی فرش بسیار مهم است، لذا مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی دستوری به مهندس موسوی و متعاقباً وزیر بازرگانی، مبنی بر لغو آن مصوبه ارسال کردند. آن همایش هم به‌خوبی انجام شد و از سوی وزارتخانه هزینه‌های آن پرداخت گردید. نتیجه این شد که در اردیبهشت سال ۶۳ ش.، شورای عالی اقتصاد تشکیل، من و آقای کام‌خوش -معاون جدید صادراتی وزارت بازرگانی- متوجه شدیم که این دوستان از دستور لغو مصوبه باخبر نیستند، وقتی دستور رئیس جمهور را دیدند که من در جلسه نبودم، البته سرو صدایی هم شد. خلاصه این هدف آنان هم با حمایت رئیس جمهور به بن‌بست رسید.

### آقای عابد در زمان شما زمینه صادرات فرش چه تغییراتی رخ داد؟

در زمینه صادرات فرش ما در اواسط دهه ۶۰ و ۷۰، موفقیت خوبی پیدا کردیم. در جلسه شورای اقتصاد سال ۶۲، آقای مهندس موسوی مأموریت دادند که دفتر شرکت در آلمان ایجاد کنم. هدف ایشان این بود که از لحاظ منبع اطلاعاتی درخصوص تحولات بازار جهانی و قیمت‌های صادراتی فرش از سوی دولت کسی باشد تا تحت‌تأثیر تشکل یا شرکت‌های خصوصی قرار نگیریم و در تصمیمات خود دچار اشتباه نشویم. در آن زمان آقای رحمانی رایزن اقتصادی ما در آلمان بود و به کمک بعضی از تجار ایرانی که خوب راهنمایی کردند توانستیم با برطرف کردن موانع با مجوز شعبه باز کنیم و در نمایشگاه آنجا فرش‌های زیادی را به‌فروش برسانیم. به‌طوری‌که آقای آل اسحاق -وزیر بازرگانی دور دوم ریاست جمهوری مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی- حسابرس فرستادند و اعلام کردند که شرکت فرش ۲۰۰ درصد سود داشته است.

### نتیجه‌گیری:

تاریخ فرش ایرانی نشان از آن دارد که مردم این سرزمین با همه فراز و نشیب و درد و رنجی که متحمل شدند خواستار احیاء میراث گذشتگان خود هستند و با چنگ و دندان، در شرایط فقر و تنگدستی در مناطق مختلف این شغل خانگی را حتی به‌جهت گذراندن فراغت حفظ کردند. در این مرز و بوم بودند و هستند کسانی که شاید امروز نامی از آنان برده نشود ولی تاریخ نام آنان را جاودان کرده است. اینان با آوردن فناوری و ایجاد کارخانه‌های ریسندگی، نخ‌ریسی، پشم‌شویی در کنار دیگر ملزومات، بسترهای توسعه را به‌وجود آوردند و افرادی را برای آموزش به کشورهای

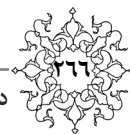


اروپایی و همسایه فرستادند و آن‌ها پس از یادگیری علوم جدید با دستی پر به سرزمین خود بازگشتند و بازار و صنعت فرش را رونق بخشیدند. در دهه ۴۰، «ارباب حسن تفضلی» که حاصل عمر پربرت او ایجاد کارخانه‌هایی در شهر کاشان بود که متأسفانه بعد از انقلاب یکی‌یکی خصوصی شد و جمع گردید. وی فناوری را از آلمان، بلژیک و آمریکا وارد ایران کرد و بیکاری را از بین برد.

وقتی به تاریخچه تشکیل شرکت سهامی فرش ایران نگاهی می‌اندازیم، می‌بینیم که با چه نیتی شکل گرفت آن هم از سوی کسانی که مدعی مبارزه با استثمار نبودند اما دست استعمار و کمپانی شرق را از این هنر اصیل کوتاه کردند. در این سرزمین زمانی نخست وزیری بخشنامه می‌کرد که ورود فرش ماشینی به ایران ممنوع است؛ مدیرانی در تاریخ نام برده می‌شوند که تمام تلاش آنان در ارتقای کمیت و کیفیت فرش ایران بوده است. همین‌طور مدیرانی بودند که فرش‌های کهنه و قدیمی و قیمتی وزارتخانه‌ها را با فرش‌های درشت باف بی‌قواره تعویض و از کشور خارج کردند. اگر روزگاری فرش‌های ما برای مراکز سلطنتی و موزه‌ها استفاده می‌شد و هنر اصیل ایرانی در اقصی نقاط کشور به نیکی یاد می‌شد، هستند کسانی که صنعت فرش را هنر استثمار می‌دانستند و به قول خود غربی‌ها می‌خواهند ما را با گره‌زدن مشغول نمایند تا از تکنولوژی غافل شویم بدون آنکه توانسته باشند صنعت بومی را راه‌اندازی نمایند. پس این گفته دکتر علاء‌کیایی -مدیرعامل وقت شرکت سهامی فرش ایران- را باید پاس نگاه داشت که گفت: «صنعت قالیبافی منافاتی با صنعتی‌شدن کشور ما ندارد، هموطنان روستایی و شهری ما اوقات فراغت خود را صرف بافتن قالی می‌کنند، صنعتی‌شدن کشاورزی فرصت بیشتری را برای بافتن قالی در اختیار آن‌ها خواهد گذاشت همان‌طوری که در کشورهای اروپای شرقی این امر عملاً محقق شد و اکنون جزء رقبای فرش ایران می‌باشند. از وظایف نسل فعلی این است که صنعت فرش را حراست کنند و ارج گذارند و در راه تکامل آن بکوشند. با فروش زیاد فرش ایران برای خود و کشور خود درآمد بیشتری را به‌وجود آورند و هنرمندی و خلاقیت مردم کشور را به دیگران عرضه نمایند» (شرکت تبلیغاتی و انتشاراتی پیشگر، ۱۳۵۱، ص ۵).

در تاریخ ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۱ در روزنامه همشهری، به مطلبی در خصوص حذف پیمان ارزی برخورد کردم که عده‌ای از کارشناسان اقتصادی و صادرکنندگان کالا در کشور همواره نسبت به سپردن پیمان ارزی معترض بودند و از آن به‌عنوان عاملی نام می‌بردند که مانع تحقق اهداف کلان اقتصادی است و شورای عالی صادرات به‌جز چند قلم، کلیه کالاهای صادراتی را از سپردن پیمان ارزی معاف کرد. این مطالب با گفته‌های مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران در سال‌های ۶۰ ش، که ذکر آن رفت مطابقت دارد.

یکی از سیاست‌های شرکت سهامی فرش، اشتغال‌زایی می‌باشد. در این راستا مطلبی از خانم



شیرین صوراسرافیل از کارشناسان و پژوهشگران فرش خواندم: «... به‌طور کلی نگاه برنامه‌ریزان دولتی را به فرش در دو جهت اشتغال‌زایی و ارزآوری خلاصه کنیم بحران پیش‌آمده در فرش دستباف نشان می‌دهد، نگاه سنتی و غیرعلمی و یک‌سویه به فرش دستباف نه تنها برنامه‌های مصوب یادشده را به نتیجه مطلوب نرسانده است بلکه باعث ایجاد بحران در کالاهای سنتی که در تاریخ حیات چندین هزارساله آن سابقه نداشته است (صوراسرافیل، ۱۳۸۱ ص ۱۰).

تا پیش از انقلاب فرش دستباف ایران حدود ۶۰ درصد از بازار فروش دستباف جهان از آمریکا تا ژاپن و اروپا و کشورهای عربی و حتی شوروی سوسیالیستی در اختیار داشت. با پیروزی انقلاب دو دیدگاه متفاوت در مورد گسترش و یا عدم گسترش فرش در میان تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران دولت‌های وقت، سال‌ها محل مناقشه و چالش بود. تعدادی از وزرای دولت که از میان بازاریان سنتی برخاسته بودند خواهان سرمایه‌گذاری و گسترش صنعت فرش شدند به‌طوری‌که اذعان داشتند ما فرش را به‌عرش خواهیم رساند. از سوی دیگر نخست‌وزیر و تعدادی از مشاوران و وزرای او به‌شدت با این نظر مخالف بودند و بر این باور بودند که فرش دستباف کشور ظرفیتی بیش از این برای رشد و توسعه ندارد (امویی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

در همین زمینه مطلبی از محمدعلی کریمی در جایی خواندم که اشاره داشتند «دید مسئولین [منظور، زمان نخست‌وزیر میرحسین موسوی] نسبت به فرش ایران بر این باور بود که باید به فرش به‌عنوان یک کالای هنری صددرصد ساخت داخل که توسط محروم اقشار جامعه تولید می‌شود نگاه کرد. آنان بر این باور بودند که بر روی قالی نمی‌توان به عنوان یک کالای اساسی برای بیرون‌بردن کشور از وضعیت بغرنج درآمدهای ارزی حساب باز کرد و به‌جای سرمایه‌گذاری برای توسعه تولید فرش، می‌توان همین سرمایه را در توسعه روستایی کشور هزینه کرد که متأسفانه این دیدگاه اعمال نشد (امویی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

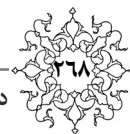
درخصوص متولی نداشتن شرکت سهامی فرش ایران با توجه به مستندات مطرح شده نشانگر آن است که عده‌ای به‌جهت مدیریت سلیقه‌ای بدون کارشناسی و عده‌ای به‌جهت عدم مسئولیت و آگاهی - عمد یا غیرعمد - خواهان تزلزل این شرکت می‌باشند که نتیجه‌ای جز عدم اشتغال، عدم توسعه صنعت فرش و هنر اصیل ایرانی و مهم‌تر از همه عدم توسعه زیربناهای ساخته شده توسط مردان و زنانی است که با اعتقادی راسخ آن را بنا کردند نداشت، نتیجه آن خواهد شد که در اسناد موجود گردو غبار زمان بر روی آن‌ها می‌نشیند و مشت‌ی جز خاطرات تلخ از خود برجای نمی‌گذارند و آیندگان را بازخواست می‌نمایند. این در حالی است ابلاغ مقام معظم رهبری - رئیس‌جمهور وقت - هنوز پابرجاست و در جمع ستاد برگزارکنندگان صنعت فرش اشاره فرمودند: «شرکت فرش را نمی‌توان در کنار کوزه‌گری قرار داد، صادرات و بازرگانی آن بسیار مهم است که باید جدی گرفته شود (مصاحبه با محمد رضا عابد، ۱۳۹۶، ساکما)، با چنین پیامی باز هم امروزه



شاهد از هم گسیختگی شرکت سهامی فرش هستیم که بدون متولی است و می‌بینیم که چطور این صنعت درخشان فرش به ناکجاآباد رسیده و بسیاری از دلسوزان، علاقه‌مندان و پژوهشگران هنر فرش در رسانه‌ها فریاد خود را اعلام می‌دارند ولی ما کماکان هر آنچه که در این کشور ملی بوده به ورطه سقوط رساندیم. این سؤال را که «چه باید کرد تا صنعت فرش ایران آسیب نبیند؟ تنها می‌توانیم به این جمله تاریخی حاج امین‌الضرب به ناصرالدین شاه استناد جست: «رفاه و سعادت مملکت به تجارتی بستگی دارد که با مردم همان کشور گردانده شود و تنها در صورت تأمین این شرط است که مملکت می‌تواند رونقی به‌خود بگیرد و کارخانه‌ها ساخته شوند. وقتی عواید اقتصادی تنها به سرمایه‌های خارجی تعلق گیرد، ثروت به خارج از کشور صادر خواهد شد و طبقات مردم داخل از نداری رنج خواهند برد» (نامه به ناصرالدین‌شاه مورخ ۱۳۸۳-۱۳۸۴ ق. به نقل از: ژوله، ۱۳۸۴، ص ۲۶).

### منابع:

- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۲ الف). با فرش تا عرش. روزنامه همشهری، سوم خرداد.
- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۲ ب). گره‌های ایرانی فرش، گفت‌وگو با محمدعلی کریمی. روزنامه اقتصاد، سوم خرداد.
- امامی، نفیسه (۱۳۸۶). ماهیت مصاحبه در روش تاریخ‌شفاهی و ارتباط آن با انسان‌شناسی (۱). گزارش تحقیقی کلاس سمینار روش ناصر فکوهی دوره کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در نیمسال دوم ۱۳۸۵-۸۶، سایت *کانون انسان‌شناسی و فرهنگ*. [anthropology.ir/article/2059.html](http://anthropology.ir/article/2059.html)
- بی‌نام (۱۳۸۱). حذف پیمان ارزی صادرات کالا را ۵۰ درصد افزایش داد. روزنامه همشهری، سال دهم، ۱۹ اردیبهشت، ص ۱۰.
- چینی، حبیب (۱۳۸۱). انحلال یا ادغام شرکت فرش. روزنامه آسیا. ۲ اردیبهشت، ص ۲.
- ژوله، تورج (۱۳۸۴). شناخت نمونه‌هایی از فرش ایران. تهران: شرکت سهامی فرش ایران.
- شرکت تبلیغاتی و انتشاراتی پیشگر (۱۵۳۱). شناخت شاهکارهای فرش ایران. مجموعه شماره ۱، شماره ۱۶۰.
- صوراسرافیل، شیرین (۱۳۸۱). سازمان متولی فرش دستباف را به فراخوان بگذارید. روزنامه همشهری، سال دهم، ۹ اردیبهشت، ص ۱۰.
- عزیزی، غلامرضا (۱۳۸۴). آناتومی تاریخ‌شفاهی. نشریه *زمانه (اندیشه، فرهنگ و ادبیات)*، سال چهارم، شماره ۳۴.
- محمودی، غلامحسین (مرداد ۱۳۹۶). مصاحبه تاریخ‌شفاهی با غلامحسین محمودی. ساکما



- عابد، محمدرضا (شهریور و مهر ۱۳۹۶). مصاحبه تاریخ شفاهی با محمدرضا عابد. ساکما.
- عصاریان، محمد (۱۳۹۰). گزارشی از چگونگی نگارش گزارش‌های تاریخی - شفاهی. سایت سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳ مهر. [www.old.ido.ir](http://www.old.ido.ir)
- محسنی، محسن (مهر ۱۳۹۵ - اردیبهشت ۱۳۹۶). مصاحبه با محسن محسنی. ساکما، آرشیو شفاهی.

